

زنان لیبیایی نیروهای فعال در انقلاب لیبی



یثری تکبالی - مترجم آزاده دواچی

یثری تکبالی فعال، وبلاگ نویس و روزنامه نگار آمریکایی لیبیایی تبار است. او در مقاله اش تحت عنوان "خاطرات هیل" در آنتالوژی بسیار مشهور "من برای خودم صحبت می کنم: زنان آمریکایی در مورد مسلمان بودن می گویند" از تجاربش به عنوان یک زن عرب و مسلمان در کپیتال هیل می گوید. در این مقاله او در مورد موقعیت زنان در لیبی و فعالیتهای آنان در زمان جنگ لیبی و به طور کلی در طول یک سال گذشته می نویسد.

زنان در لیبی در ۱۹۸۲ حق طلاق گرفتن را به دست آوردند. در مصر و مراکش تنها در سالهای اخیر بود که در این قانون به نفع زنان تجدید نظر شد. در لیبی درصد زنان تحصیلکرده در سه دهه اخیر بسیار افزایش یافته و زاد و ولد و هم مرگ و میر کودکان کاهش یافته است. این پیشرفتهای در تمام جهان عرب مشاهده میشوند، اما هنوز ساختار پدرسالارانه خانواده و قوانین مربوط به ارث یا چندهمسری به قوت خود باقیاند. تنها تونس و ترکیه توانسته اند قوانین مدنی در زمینه برابری جنسیتی را بدون تاثیرپذیری از شریعت دینی تصویب کنند. برخلاف تونس و مصر در لیبی شبکه ها و سازمان های غیر دولتی زنان وجود ندارند. در دیکتاتوری قذافی فضایی برای فعالیتهای مستقل زنان وجود نداشت^۱.

سال گذشته و در طول ماه مبارک رمضان به همراه "ناتالی مور" (خبرنگار و نویسنده) در طرابلس بودم و در مورد موقعیت زنان در جامعه ی لیبی تحقیق می کردم. ما با زنان از طیف های گوناگون اعم از نویسندگان، خانه دار، معلم، دانشجو، زنان تاجر و بالاخره دولت - زنان لیبیایی مصاحبه کردیم که این مصاحبه ها بعداً در رادیو دولتی شیکاگو پخش خواهد شد.

بسیاری از زنان لیبیایی که با آنها مصاحبه کردیم در تلاش بودند تا جامعه ی لیبی را از درون تغییر دهند، اما پیوسته در فساد اداری و

قانونی دولتی لیبی گیر می کردند. آنها بر این باور بودند که محدودیت های سخت رژیم قذافی و مداخله بی وقفه آنها تهدیدی همیشگی برای این زنان بوده است. همانگونه که یکی از کارمندان زن سابق بخش گاز و نفت به نام "سالها" می گوید: «ادارات فاسد و قوانین غیر قابل پیش بینی به این معناست که شغل شما، زندگی شما و هرچیزی که شما برای آن کار می کنید می تواند امروز باشد ولی روز بعد از بین برود». در سوی دیگر این طیف از زنان منتقد، من با زنان هوادارن قذافی مانند رئیس شورای زنان شهر طرابلس و همینطور فرمانده آکادمی نظامی زنان در لیبی ملاقات کردم.

اکنون بعد از گذشت یک سال از آن زمان که شش ماه هم از انقلاب لیبی² می گذرد، در تمام این مدت به صحبت های این زنان و تغییرات عمده ای که در جامعه لیبی در حال اتفاق افتادن است، فکر می کنم. در طول 40 سال گذشته، رژیم قذافی حق آزادی تجمع و آزادی بیان را تحت فشار قرار داده است که در نتیجه مانع از لابی و مذاکره لیبیایی ها به منظور ایجاد تغییر در جامعه خود شده است. وقتی مردم مبارزه خود را با حکومت قذافی آغاز کردند، زنان هم به مبارزه با جامعه ای پرداختند که آنها را از جنگیدن و مبارزه برای دستیابی به آزادی منع می کرد. حضور زنان از همان روزهای آغازین در طول انقلاب لیبی بهترین نشانه از جامعه ناراضی لیبی (هم زن و هم مرد) تحت حکومت 42 ساله قذافی است. زنان پیوسته نشان داده اند که چگونه تحت تاثیر رژیم قذافی قرار گرفته اند، این تأثیرات نه تنها با مقاومت در خود لیبی، بلکه از طریق بنیان نهادن سازمان های مستقل و همینطور هل دادن به سمت جامعه ای فراگیر صورت گرفته است.

قبل از انقلاب لیبی، من زنان لیبیایی را می دیدم که پسرانشان را از حضور در هر واقعه ای که در جامعه پیش می آمد باز می داشتند، حتی اگر آن اتفاقات سیاسی نبود، چرا که بسیاری از آنان از وحشی گری حکومت قذافی می ترسیدند. در طول شش ماه گذشته همین زنان به یکی از بزرگترین مشوقان آنان تبدیل شده اند و همسران و پسرانشان را ترغیب می کنند تا بیرون بروند و بجنگند.

اکنون پس از یک سال که شش ماه هم از قیام مردم لیبی برای راندن قذافی و خانواده اش می گذرد، زنان فعال بسیاری را دیده ام که میان دو راهی گیر کرده اند که کجا نیرویشان را متمرکز کنند، میان بحران پناهندگان و مسائل حقوق بشری و یا در میان تراژدی جنگ

در جریان؟ آنان چگونه می توانند تشخیص دهند که اولویت اول با کدام است آن هم هنگامی که قذافی در حال نابودن کردن هر چیزی است که تاکنون بنا شده و هنوز هم ادامه دارد.

در دوهه (پایتخت قطر) «شهرزاد کابلان»، میزبان النس (گروه ائتلاف زنان) لیبی است که بلافاصله بعد از خیزش مردم در لیبی توانست ائتلاف زنان لیبیایی را ایجاد کند، گروهی که تمرکزش کمک و توانمند سازی زنان لیبیایی و کمک به کودکان است. «کابلان» به همراه همسر و فرزندان در اوهایو زندگی می کنند، او هنگامی که 24 سال داشت بن قاضی را ترک کرد. او می گوید: «می دانم که زنان و بچه ها آسیب پذیرترند و ما تاکنون می دانیم که زنان در جامعه لیبی توانمند نشده اند، بنابراین جنگ برای آنها زنگ خطری خواهد بود». ائتلاف زنان لیبی از راه فراهم سازی کارآموزی های فنی و آموزشی به زنان، تمرکزش را بر توانمند ساختن زنان لیبیایی قرار داده است. این سازمان همچنین نهادهایی را ایجاد کرده است که زنان می توانند در آنجا مشاوره های پزشکی و روانی دریافت کنند. کابلان همچنین عضوی از گروه هماهنگ کننده لیبیایی است که راهپیمایی را در حمایت از خیزش مردم لیبی در آمریکا بعد از انقلاب 17 فوریه ترتیب داده است.

اتحادیه زنان لیبیایی، یک گروه فعال که در لندن پایه گذاری شده نیز توسط «زکیا طیب»، فعال حقوق بشر، حدود 20 سال پیش پایه گذاری شده است. زکیا طیب توسط زنانی که وابسته به کمیته انقلابی قذافی بودند به دلیل انتقاد از رژیم قذافی زندانی و شکنجه شده است. اتحادیه زنان لیبیایی توانسته است قبل از انقلاب 17 فوریه، به زنان لیبیایی دسترسی پیدا کرده و فعالیت های خود را حول حمایت از پناهندگان و زنان قربانی خشونت ها و تجاوزهای جنسی نیروهای قذافی گسترش دهد.

دیگر فعالان زن لیبیایی همچون «ریحاب الحاج» و «ناجا داواجی» که امداد رسانی و مشاوره هایی را در مورد لیبی و تحت عنوان گروهی به نام «ریل» شروع کرده اند، این گروه مددکارانی را ایجاد کرده اند که در تونس به پناهندگان زن و کودکی که مورد تجاوز قرار گرفته اند کمک می کنند. «الحاج» که هم با زنان و هم مردان در کمپ پناهندگان رمادا و هم در شهر مرزی میان مرز لیبی و تونس کار کرده است، می گوید: «زنانی که مورد آزار جنسی و تجاوز توسط ارتش قذافی قرار گرفته اند باید بدانند که مقصر آنها نبوده اند».

در مصر یکی دیگر از فعالان زن لیبیایی را دیدم که مشغول برنامه ریزی برای کنفرانسی در آینده بود که هدفش شناساندن و مورد توجه قرار دادن نقش زنان در دوران بعد از قذافی در لیبی بود. همچنین با زنان فعالی همچون «زهرا لنقی»، «ونوس ال رایس» و «فریدا الغی» صحبت کردم که در حال ترتیب دادن کارگاه های آموزشی و برگزاری مناسبت هایی بودند که هدفشان تمرکز بر بازسازی قوانین مدنی لیبی است.

زهرا لنقی که هماهنگ کننده گروه فعال "دوستان آزادی لیبی" در مصر است، کارگاه ها و فوروم های زیادی را ترتیب داده است که به خلاء مسائل اجتماعی، روشنفکری و دیوان سالاری در لیبی پرداخته است. در کارگاه آموزشی اخیر که من در آن حضور داشتم در مورد گسترش زیرساخت های مدنی در لیبی صحبت شد. لنقی بر این باور بود: "زنان هسته اصلی جامعه لیبی را شکل می دهند. وقتی که آن ترس روانی شکسته شد، مادران، همسر و فرزندان خود را تشویق می کردند تا به بیرون بروند و با قذافی بجنگند که این یکی از تغییرات بزرگی بود که تاکنون شاهدش بوده ایم".

همچنین زنان بی شمار لیبیایی وجود دارند که شجاعت و توانایی و صلاحیت رهبری، و همینطور انسان دوستی شان را با فعالیت ها و تلاش های خود برای حمایت از مردم لیبی نشان داده اند. اکنون همین زنان در شرف سازمان دهی و شرکت در بازسازی لیبی هستند و ما انتظار داریم که سازمان های بیشتری هم به وجود آیند. حمایت وسیع تر از افراد داخل در لیبی و آنهایی که خارج از لیبی فعالند در موفقیت این سازمانها زمانی که شکل بگیرند و ریشه هایشان را در لیبی آزاد بیابند، نقش حیاتی ایفا خواهند کرد.

[منبع](#)

پی نوشت:

1- فروغ.ن. تمیمی . زنان عرب در بهار آزادی: رادیو زمانه
<http://www.radiozamaneh.com/society/women/2011/05/22/4177>

2- اعتراضات و شورش سراسری در لیبی که با راهپیمایی های خیابانی، علیه حکومت لیبی و رهبر آن، معمر قذافی آغاز شد و به شورش و جنگ های شهری و بین شهری منجر گردید. اعتراضات از ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی، در این کشور آغاز شد و از روز ۱۷ فوریه ۲۰۱۱ میلادی بشکلی گسترده تر و بتدریج شورش سراسری درآمد که با برخوردهای خونین و

خشونت آمیز حاکمیت با مردم معترض روبرو شد و همه شهرهای لیبی را
دربرگرفت.